عدم استفاده توثیق علی بن حنظله از تعبیر «انک رجل ورع» در کلام مرحوم تبریزی

در تنقیح مبانی العروه؛ کتابهای مختلفی با جلدهای مختلف چاپ شده است. مثلاً طهارت هفت جلد است. در تنقیح مبانی العروه مرحوم آقای تبریزی در جلد سوم کتاب الصلاة که پنج جلدی است: ایشان از حرف استادشان مرحوم آقای خوئی جواب میدهند. میل استظهار ایشان به جلسه قبلی ما است. فرمودهاند:

> **فإنّ علي بن حنظلة ضعيف، و القول بأنه ثقة فإنه روى في بصائر الدرجات بسند صحيح عن عبد الأعلى بن أعين، قال: دخلت أنا و علي بن حنظلة على الصادق عليه السّلام فسأله علي بن حنظلة عن مسألة فأجابه فقال رجل: فإن كان كذا و كذا فأجابه فيها بوجه آخر و إن كان كذا و كذا فأجابه بوجه حتّى أجابه بأربعة وجوه، فالتفت الى علي بن حنظلة قال: يا أبا محمد قد أحكمناه فسمع الصادق عليه السّلام فقال: لا تقل هكذا يا أبا الحسن فإنك رجل ورع إنّ من الأشياء أشياء ضيقة و ليس تجري إلاّ على وجه واحد منها وقت الجمعة ليس لوقتها إلاّ واحد حين تزول الشمس و من الأشياء أشياء موسعة... الخ و يستفاد منها أنّ الصادق عليه السّلام خاطب علي بن حنظلة و كنيته أبا الحسن بالورع، و لكن لا يخفى ما فيه فإنّ الخطاب المذكور ليس في مقام الإخبار عن حاله و تعديله، بل في مقام ردعه عن القول بالباطل و يناسب إرشاده و ردعه عنه بالتذكر له الورع و لو بالخطاب بأنّك ورع و إرادة أنه ينبغي أن تكون ورعا**[1]

«فإنّ علي بن حنظلة ضعيف، و القول بأنه ثقة فإنه روى في بصائر الدرجات بسند صحيح عن عبد الأعلى بن أعين»؛ در ادامه روایت را میآورند، تا آن جا که میفرمایند: **«و يستفاد منها»**؛ هنوز حرف استادشان است. **«أنّ الصادق عليه السّلام خاطب علي بن حنظلة و كنيته أبا الحسن بالورع»**؛ کنیه آوردن خودش یک نحوه احترام گذاشتن است، و او را به ورع خطاب کردند.

«و لكن»؛ در اینجا شروع به در حرف استادشان می‌کنند. **«ال يخفى ما فيه فإنّ الخطاب المذكور ليس في مقام الإخبار عن حاله و تعديله»؛** نمی‌گویند تو اینطور هستی. می‌گویند تو در شأنی هستی که باید چنین باشی، لذا اینطور حرف نزن. شأنیت و خواستت این است، مقامت این است که این جور باشی، پس نگو.

«بل في مقام ردعه عن القول بالباطل و يناسب إرشاده و ردعه عنه بالتذكر له الورع و لو بالخطاب بأنّك ورع و إرادة أنه ينبغي أن تكون ورعا»؛ ینبغی لک ان تتورع و لاتقول.

شاگرد: به چه دلیلی این استظهار را دارند؟

استاد: عرض می‌کنم. اول نسخه‌ها را بگویم. اگر در بحث فرعی بروی‌م اصل می‌ماند. اطلاعات مقدماتی همه در ذهن شما بیاید تا بعد بحث کنی‌م. فعلاً ایشان این را فرموده‌اند.

---

[1] تنقیح مبانی العروة، ج ۳، ص ۳۷۹

بازبینی #1
ایجاد شده 19 آوریل 2026 11:37:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 آوریل 2026 11:39:07 توسط ... .